

در تاریخ معاصر ایران، چهارده بهمن با نام دکتر تقی ارانی در پیوند است. او در این روز در زندان رضاشاه کشته شد. در جو سیاسی حاکم، در زمانی که همه چیز از منظر سیاست نگریسته می شود، متأسفانه ما تا کنون نتوانسته‌ایم، متفکران تاریخ معاصر خویش بازشناسیم. سیاست‌زدگی ما را به روزمزمگی کشانده و در چنین موقعیتی هیچ چیز در جای بایسته و شایسته خویش قرار ندارد. نگاه ما به مفاهیم و پدیده‌ها نتوانسته خود را از بند سیاست‌زدگی برهاند، چنان‌چه سیاست خود نیز در فرهنگ حاکم به دام "تقلیل‌گرایی" گرفتار آمده و از علم سیاست به دور مانده است. در چنین موقعیتی است که دیده می شود؛ از نام و فکر ارانی تا کنون استفاده ابزاری شده. سازمان‌ها، احزاب و یا افرادی کوشیده‌اند در پس نام او برای خویش ارزش بیافرینند و در مقابل؛ هر آن کس که با اندیشه ارانی هم‌خوان نبوده، او و نام او را از فرهنگ ایران طرد کرده است.

آنجا که فکر آزاد باشد و تفکر در آزادی بی‌الد، طبیعی‌ست همه دستاوردهای بشریت به راه تمدن، امری همگانی و به همه انسان‌ها تعلق داشته باشند. افکار مارکس کمونیست برای جویندگان غیرکمونیست علم و دانش همان اندازه ارزش دارد که برای کمونیست‌ها. این نه افکار "راست" سالوادر دالی، بل‌که تخیل در آثار اوست که ارزشمند است. نگاه یک‌بعدی به انسان می تواند به فاجعه ختم گردد. از این روست که می بینم در مراکز دانشگاهی دنیای آزاد، افکار افراد بدون تعلق سیاسی آنان مورد سنجش قرار می گیرد.

دکتر تقی ارانی، از جمله متفکران ایران است که هنوز در تاریخ فرهنگ ما ناشناس مانده. هیاهوی تبلیغاتی و ابزاری را اگر از نام او در این چند دهه بزدائیم، به زور چند صفحه مطلب در باره فکر و کار او به جا می ماند. تفکر کمونیستی او باعث شده تا از سوی دیگران طرد گردد و نتیجه این‌که نامی شایسته از او در تاریخ ایران موجود نیست. باقر مومنی، اندیشمند صاحب‌نام ایران، در کتاب "دنیای ارانی" کوشیده است، بدور از هرگونه پیشداوری، سیمایی واقعی از او ارایه دارد. او کوشیده است تا شخصیت ارانی و فکر او را از دریچه آثارش باز یابد و ارزش نوشته‌هایش را با توجه به زمان و موقعیت کشور نشان دهد.

مومنی تحقیق خویش را با مجله "دنیا" آغاز می کند، نشریه‌ای که در سال ۱۳۱۲ بنیان گرفت و کمی بیش از یک سال در دوازده شماره انتشار یافت و اکنون با گذشت هفت دهه هنوز مطالبی از آن تازگی دارند. بر روی جلد مجله نوشته شده؛ "دنیا در مسائل علمی، صنعتی، اجتماعی و هنری از نظر اصول مادی بحث می کند."

با نگاهی به مطالب "دنیا" می توان پی برد که بسیاری از مقولات علمی و ادبی و هنری برای نخستین بار از طریق آن به جامعه ایران راه یافته: انتقال سینما و عکس با بی‌سیم، اتم و بُعد چهارم، تکامل و ارث، پسیکولوژی خواب، فضای چندبُعدی و فرضیه نسبی، اسرار سلول و اعصاب، فیلم و فیلم ناطق، عرفان و اصول مادی، جبر و اختیار، ماتریالیسم و ایدالیسم، دیالکتیک منطق، ارزش و کار، زن و ماتریالیسم، هنر و ماتریالیسم، ارزش ادبی رمان، و...

هدف مجله را گردانندگان آن چنین اعلام داشته بودند؛ "مجله دنیا جدید خواهد کرد فکر خوانند خود را با درجه تمدن امروزی بشر آشنا کرده، بدو مرتباً جریان و تکامل این تمدن را نشان دهد." دنیا که برای "منورالفکرهای جامعه منتشر می شد و می خواست بر آنها تأثیر بگذارد"، خوانندگان خویش را با آخرین کشفیات و اختراعات علمی و صنعتی جهان آشنا می کرد. از ماشینیسم می نوشت، نژادپرستی را محکوم، خطر فاشیسم را گوشزد می کرد، از برابری زن و مرد و حضور زن در جامعه سخن می گفت، از تئوری تکامل حیات می نوشت و به دستاوردهای پسیکولوژی می پرداخت، از ادبیات مدرن اروپا نمونه می آورد و به بازبینی ادبیات کهن ایران و این‌که به جهان گذشته تعلق دارند، تأکید داشت. حتا به پیرایش زبان فارسی توجه داشت. شاید جالب باشد که بدانیم واژه‌هایی چون؛ دبستان، دبستانی، ببخشید، سپاسگزارم، سپاس دارم و... در این عرصه، از پیشنهادات شخص ارانی‌ست که در فارسی امروز به کار برده می شوند.

مجله دنیا را ارانی در جو پلیدی زمان رضاشاه، به همراه بزرگ علوی و ایرج اسکندری و با همکاری عده‌ای روشنفکران دیگر منتشر می کرد. خوانندگان مجله بیشتر دانشجویان و دانش‌آموزان بودند.

ارزش واقعی مقالات دنیا، بحث‌برانگیز بودن آن بود که خواننده را وادار به بحث می کرد. به قول انور خامه‌ای از یاران ارانی، دنیا صریحاً وارد مسائل روز کشور نمی شد ولی نسبت به بنیادهای جامعه آن روز... عمیقاً انتقادی بود... از دینامیسم و تحرک اجتماعی و اقتصادی، و از شعر و هنر نو دفاع می کرد."

با بازداشت ارانی و یاران او که به "گروه ۵۳ نفر" معروفند، انتشار دنیا متوقف شد. اگرچه شخص ارانی در سن ۳۷ سالگی در زندان کشته شد ولی افراد این گروه که بسیاری از آنها در رابطه با "دنیا" به حلقه یاران ارانی درآمده بودند، سال‌ها بعد، از جمله نقش‌آفرینان عرصه سیاست، هنر و ادبیات در تاریخ اجتماعی ایران تبدیل شدند. آنان از تأثیرگذارترین افراد جامعه، پس از سقوط رضاشاه در ایران بوده‌اند.

ارانی اما خود که بود؛ در پانزده شهریور ۱۲۸۱ در تبریز متولد شد، پس از اخذ دیپلم، وارد مدرسه‌ی عالی طب تهران شد، در سال ۱۳۰۱ عازم برلین شد، در سال ۱۳۰۷ دکترا گرفت. مدتی در "السنه شرقی در دانشگاه برلین" به تدریس اشتغال داشت و تعدادی از آثار ادبیات کهن ایران را برای این دانشگاه آماده چاپ می کند. در فرنگ با نشریات "ایرانشهر" و "نامه فرنگستان" همکاری داشت. در همین زمان با گروهی از ایرانیان "فرقه جمهوری انقلابی ایران" را بنیان می گذارند که سازمانیست مخفی و برای سرنگونی رژیم رضاشاه، برای "استقرار حکومت ملی" مبارزه آغاز می کند.

پس از بازگشت به ایران، به عنوان معلم در مدارس صنعتی و هنرستان و دانشسرا به کار مشغول می‌شود. در کنار فعالیت‌های شغلی به فعالیت گسترده سیاسی و فرهنگی و اجتماعی روی می‌آورد. کار مخفی را در خفقان موجود با کار علنی پیوند می‌زند، گروه بزرگی از نسل جدید را به تکاپو می‌کشاند. در کنار مجله گروه‌های مطالعه، ترجمه، پژوهش تشکیل می‌دهد، می‌کوشد در صحت تئوری شناخت ماتریالیستی، واقعیت جهان خارج را در ذهن انسان، با استفاده از علوم مختلف توضیح دهد.

با نگاهی به آثار وی می‌توان دریافت که بسیاری از مفاهیم علمی را نخستین‌بار او در ایران طرح کرد و این چیزی است که هنوز در باره آن نوشته‌اند و جامعه ما با آن بیگانه است. باقر مومنی کوشیده است تا در "دنیای ارانی" به گوشه‌هایی از آن بپردازد. تا کنون کسی به این شکل و از این زاویه به ارانی و کار او نپرداخته است. ارزش این کار نیز در همین است. در این‌که؛ در میان آثار ارانی و زندگی‌اش، سیمای تازه‌ای از او کشف گردد تا تابناک و جاوید در تاریخ ایران بدرخشد.

در این شکی نیست که در کشاکش هویت‌یابی جامعه، ما دگر بار به ارانی باز خواهیم گشت. کتاب "دنیای ارانی" را "انتشارات خجسته" در تهران منتشر کرده است.